

گروه شوک - سمانه شهپاز: اسیدپاشی
یکی از بزرگ‌ترین و هولناک‌ترین جرایمی است که انجام می‌شود. بسیار دیده شده برخی قربانیان اسیدپاشی می‌گویند: ای کاش می‌مردم تا زجرهایم به پایان می‌رسید. آن‌ها معتقدند هر روز می‌میرند و زنده می‌شوند. آن‌ها از ترس چشمانشان را نمی‌بندند که مبادا دوباره کابوس روز حادثه را ببینند.

تنها مرهم زخم‌های دل نرجور و شکننده قربانیان اسیدپاشی، دستگیری و مجازات جنایتکاری است که زندگی‌شان را تباه کرده است. با این‌که بسیاری از قربانیان این حادثه انسان‌هایی محکم و ثابت‌قدم هستند اما مسیر تکراری بیمارستان و دادسرا برای اصرار به مجازات اسیدپاشی و دیدن یک جانی، روح آزاده آن‌ها را بیشتر خدشه‌دار می‌کند و این در حالی است که بیشتر اوقات مجرم با چهره‌ای حق به جانب به جای عذرخواهی و تلاش برای جبران، طلبکارانه پا به اتاق بازپرس می‌گذارد و با تکیه بر انگیزه‌های عجیب و غریب، خود را توجیه می‌کند و انتظار دارد هر چه زودتر از جرمش تبرئه شود و به جامعه بازگردد.

گاهی نیز دیده می‌شود برخی از این جانیمان مظلومانه قصد تحریک کردن احساسات افراد جامعه و مسئولان را دارند تا با این شکرگرد از مجازاتشان شانه خالی کنند و نزد خانواده‌شان بروند.

عبدالصمد خرمشاهی، وکیل دادگستری و حقوقدان در این رابطه می‌گوید: متأسفانه جرم اسیدپاشی در سال‌های اخیر افزایش یافته و قبح خود را از دست داده است و بروز این جنایت شاید به علت نبودن قانونی قاطع و مشکلاتی است که بر سر اجرای حکم قصاص وجود دارد. ماده واحد قانون اسیدپاشی در سال ۱۳۳۷ هجری شمسی وضع شد. در آن سال‌ها اسیدپاشی کمتر رخ می‌داد. در آن قانون، مجازات اسیدپاشی که قربانی شدن کسی را در پی داشت اعدام بود و در کنار آن مجازات، حبس ابد نیز برای بعضی موارد اسیدپاشی در نظر گرفته شده بود.

خرمشاهی بیان می‌کند: بعد از انقلاب با وضع قانون مجازات اسلامی، موضوع قصاص بر سر زبان‌ها افتاد اما به دلیل دشواری‌هایی که در عمل و در اجرای حکم قصاص به وجود می‌آمد تاکنون هیچ‌گونه حکم قصاصی در رابطه با اسیدپاشی اجرایی نشده است.

گره کور در مجازات جنایتکاران اسیدپاش



دل‌های سمنه

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا دشواری‌های قانونی که در عمل مانع اجرای حکم است باعث تجری مرتکبین اسیدپاشی شده است؟! آیا اقدامات لازم برای از بین بردن علل و عوامل بروز این جرم صورت گرفته است یا خیر؟!

به گفته خرمشاهی، هر دوی این عوامل منجر به رشد بزه اسیدپاشی در جامعه شده است و به عبارتی اگر قانون مناسبی در جهت جلوگیری و بازدارندگی افراد متجاوز وضع شود و در کنار آن فرهنگسازی‌های لازم صورت بگیرد شاید بتوان مانع از رشد و ادامه این بزه هولناک شد.

جنبه عمومی و خصوصی

محمدرضا دهقانی سانج، حقوقدان با اشاره به این‌که جرایمی مانند اسیدپاشی از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد، اظهار داشت: اسیدپاشی مطابق قانون مجازات اسلامی دارای دو جنبه عمومی و خصوصی

است که از جنبه خصوصی، شاکمی می‌تواند رضایت ندهد و فرد محکوم به قصاص شود اما در این شرایط اگر جرم اسیدپاشی باعث کشته شدن قربانی شود فرد جانی به قصاص محکوم می‌شود ولی اگر عضوی از بدن فرد شاکمی از بین برود، اسیدپاشی به قصاص عضو محکوم خواهد شد که دیده می‌شود در بیشتر مواقع شاکمی رضایت می‌دهد چرا که یکی از مهم‌ترین شروط قصاص عضو در قانون مجازات اسلامی، برابری قصاص با جنایت به‌طور مطلق و همچنین نحوه انجام آن است که باید به گونه‌ای باشد که موجب تلف شدن و مرگ مجنی علیه و آسیب‌رساندن به عضو دیگر نشود. برخی کارشناسان و جرم‌شناسان معتقدند این شرایط در اجرای قصاص اسیدپاشی قابل رعایت نیست و مایع بودن اسید باعث می‌شود به اعضای دیگر نیز سرایت کند که عملاً امکان برابری قصاص و جنایت را منتفی می‌کند. همچنین نحوه

پاشیدن اسید و غلظت آن، زمانی که طول می‌کشد تا قربانی به مرکز درمانی منتقل شود، در ایجاد آثار متفاوت دخیل است و قطعاً امکان در نظر گرفتن همه این شرایط برای قصاص ممکن نیست...

به گفته دهقانی سانج از آنجایی که جرم اسیدپاشی، اثرات روانی جامعه را نیز در پی دارد و منجر به لطمه و صدمات روحی به اعضای جامعه نیز می‌شود، حتی اگر در این شرایط شاکمی هم رضایت دهد، اسیدپاشی با حکم دادگاه از مجازات جنبه عمومی محکوم می‌شود و وی به علت این‌که موجب اخلاق در نظم و امنیت جامعه شده است به ۲ تا ۵ سال زندان محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه به پرداخت دمه نیز محکوم می‌شود و در صورت عدم پرداخت دمه، مرتکب وفق ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی باید متحمل مجازات حبس شود.

راهکار کاهش اسیدپاشی

اما برای کاهش این جرم هولناک در جامعه چه باید کرد؟! چه عواملی از بروز چنین حوادث دلخراشی پیشگیری می‌کند و مرهمی بر دل زخم‌دیده قربانیان اسیدپاشی می‌گذارد؟! کارشناسان و تحلیلگران امور اجتماعی معتقدند حتی با اجرای حکم، پرداخت دمه و حبس‌های کوتاه‌مدت مشکلات قربانیان به پایان نمی‌رسد به همین خاطر باید قانون اسیدپاشی دوباره مورد بازبینی قرار گیرد و با توسل به ماده یک مسئولیت مدنی، قربانیان اسیدپاشی حداقل بتوانند از پس هزینه‌های درمانی گزاف خود برآیند.

سرعت رسیدگی و مجازات در ملأعام

دهقانی سانج یکی از عواملی که باعث بروز چنین حوادث ناگواری می‌شود را سرعت در رسیدگی و مجازات در ملأعام می‌داند و می‌گوید: دادگاه‌ها باید به صورت ویژه و خارج از نوبت در شعبه‌های خاص و تحت نظر قاضی باتجربه به پرونده‌های اسیدپاشی رسیدگی کنند تا با سرعت عمل هر چه سریع‌تر، جانی را به سزای اعمالش برسانند تا درس عبرتی برای دیگر افراد شود.

این کارشناس حقوقی بیان می‌کند: حداکثر مجازات را برای جنبه عمومی جرم قائل شوند تا چنانچه شاکمی خصوصی نسبت به موضوع اعلام رضایت کرد مجرم به راحتی از چنگال عدالت نگریزد. همچنین اجرای حکم در ملأعام یکی از عواملی است که می‌تواند اثر بازدارندگی مؤثری در پرونده‌های اسیدپاشی داشته باشد.

یکی دیگر از عواملی که باعث پیشگیری و کاهش این حوادث می‌شود، اطلاع‌رسانی از طریق صدا و سیما و جراید در این خصوص است که آن‌ها با برجسته کردن مجازات سنگین چنین جرایمی برای متهمان می‌توانند از این امر پیشگیری کنند.

جرم‌شناسان معتقدند استفاده از مجازات‌های دیگر نیز می‌تواند یکی دیگر از عوامل بازدارنده در پرونده‌های اسیدپاشی باشد به عنوان نمونه مجازات حبس‌های طولانی مدت به جای حبس‌های ۲ تا ۵ ساله می‌تواند مؤثر واقع شود. همچنین آموزش فرهنگ شهروندی و قانونمندی در خصوص رفتارهای بزهکارانه می‌تواند مؤثر واقع شود تا افراد از آسیب‌های چنین رفتارهای ناهنجاری اطلاع یابند.